

محمد بهمنی

دیدار

۷

ش ۱۳۲



آیه الله میرزا محمد جواد انصاری همدانی رحمته الله از عارفان و بیدارلانی است که بزرگانی از جویبار کلام و نفس گیرایش به حیات طویه و زندگی الهی رسیده‌اند. اما او خود سرچشمه همه فضائل را در خانه اهل بیت می‌جوید. ایشان توصیه زیاد به توسل به ساحت مقدس معصومین علیهم السلام در زیر آسمان داشتند و خود از این راه به مقاصد بزرگی رسیده بودند. ایشان در نامه‌ها و دستورالعمل‌هایی که به دوستان و طالبان معرفت داشتند، توسل به ساحت مقدس ابا عبدالله الحسین علیه السلام را برای رسیدن به مقامات روحانی توصیه می‌نمودند.^۱ و اولیاء خدا این گونه خاضعانه، به مخضر معصومین علیهم السلام متوسل می‌شدند و برکات و توفیقات بسیاری را از این طریق کسب می‌نمودند. عشق و ارادت آنها به این انوار پاک موجب عنایت آن بزرگواران به ایشان بوده و آنها را در طی مدارج معنوی و علمی رهنمون شده است.

منابع:

۱. فریادگر توحید، حضرت آیت الله بهجت، ص ۲۱۳، تهیه مؤسسه فرهنگی اهل بیت قم، انتشارات انصاری چاپ دوم ۷۸.
۲. سیمای فرزندگان - ص ۱۸۰، رضا مختاری، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴، چاپ هشتم.
۳. سیمای فرزندگان، ص ۱۹۲.
۴. سیمای فرزندگان ص ۱۸۶.
۵. مهر تابان، ص ۲۲۱
۶. در کوی بی نشان‌ها، ص ۳۰، «زندگینامه آیت الله انصاری همدانی»، مصطفی کرمی‌نژاد، انتشارات نهالوندی، چاپ چهارم، ۱۳۷۹

استاد او آیت الله العظمی حائری یزدی رحمته الله مؤسس حوزه علمیه قم هم توشه از خوان کرامت حسینی برمی‌داشت. ایشان دستور داده بودند همه روزه قبل از درس کسی قدری مصیبت حضرت سیدالشهدا علیه السلام بخواند و سپس درس را شروع می‌کردند. حتی زمانی که مرجع تقلید بودند، در جلوی دسته عزاداری در کوچه و خیابان حرکت کرده و مثل مردم عادی بر سر و سینه می‌زدند و می‌فرمودند: من هر چه دارم از سیدالشهدا دارم.^۲

آیه الله العظمی بروجرودی رحمته الله نیز که همه مراجع معاصر ما شرف شاگردی او را داشته و حوزه علمیه قم سیراب از چشمه جوشان اخلاص و بصیرت اوست، خود این گونه ارادتش بر این آستان را بیان کرده بود: «دورانی که در بروجرود بودم، چشمانم کم نور شده بود و به شدت درد می‌کرد، تا اینکه روز عاشورا هنگامی که دسته‌های عزاداری در شهر به راه افتاده بود مقداری گل از روی سر یکی از بچه‌های عزادار دسته، که به علامت عزا بر سر خود مالیده بود، برداشتم و به چشمان خود کشیدم و در نتیجه فوراً چشمانم نور خود را باز یافت و دردش تمام شد».^۳

مرحوم محدث قمی رحمته الله می‌نویسد: «این حقیر نیز، هرگاه به سبب نوشتن زیاد، چشمم ضعیف پیدا می‌کند تبرک می‌جویم به تراب مراقده ائمه علیهم السلام و مس کتابت احادیث و اخبار و بحمدالله چشمم در نهایت روشنی است».^۴

امام حسین علیه السلام امام همه است. نه فقط امام شیعیان یا حتی مسلمانان. آقا، آقای همه است. آقای هر کس که دلش بخواهد کسی دستش را بگیرد. آخر «آغوش حسین به وسعت عالم گشوده است» اما حتماً آن‌هایی که افتخار نوکری و خدمت‌گذاری این آستان را دارند، جور دیگری به این خانه رفت و آمد دارند.

حضرت آیه الله بهجت رحمته الله در وصف مقام امام معصوم، سخنی دارند که گوشه‌ای از اسرار این ادب را نشانمان می‌دهد. چرا که رفتار ما جوشش پندار ماست. هرچه بهتر و بیشتر بدانی، بهتر عمل خواهی کرد. «امام عین الله ناظره است... امام زنده است، ناظر است. قادر و مقتدر است. ائمه علیهم السلام حاضرند، می‌بینند، جواب می‌دهند... التفات ما کم است... زیارت شما قلبی باشد. در موقع ورود اذن دخول بخواهید. اگر حال داشتید به حرم بروید... همه زیارت نامه‌ها مورد تأیید هستند. زیارت جامعه کبیره را بخوانید. زیارت امین الله مهم است. قلب شما بخواند، با زبان قلب بخوانید...»^۵.

وقتی حاج آقا مصطفی خمینی، فرزند و یار امام شهید شد، امام با این جمله که «شهادت مصطفی از الطاف خفیه الهی است» همه و خود را تسکین داد. اما یاران امام بر جان عزیزش می‌ترسیدند. پزشک گفته بود هر طور شده امام باید گریه کند. ممکن است برای قلبشان ضرر داشته باشد. سخنران از خوبی‌های مصطفی امام می‌گفت. همه از فراقش می‌گریستند. اما امام، ساکت و با وقار نشسته بود. انگار نه انگار که همه برای فرزند دل‌دند او گریه می‌کنند. اما سخنران یکباره گفت السلام علیک یا ابا عبدالله... و از علی اکبر حسین خواند. شانه‌های او که مثل کوه نشسته بود لرزید و سیل اشکش جاری شد...

او در ۵۱ سالگی که در نجف بود، در تمام زیارات مخصوص امام حسین علیه السلام از نجف به کربلا می‌رفتند و در تهران هم که بودند این زیارات از راه دور انجام می‌شد.^۶

بیست سال خون دل



امام حسین در نگاه دیگران



من در آینه تو



۷۲ پرواز عاشقانه

